

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لذت جوی و بی بندباری

دوره ششم، شماره پنج

نام جزوه: لذت جویی و بی بند باری
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

فاجعه اندلس	٥
انسان تک بعدی	١١

دوره ششم، شماره چهارم / ۵

فاجعه اندلس

تاریخ را ورق می‌زنیم و رویدادهای اسلامی را می‌خوانیم:

در نیمه‌ی دوم نخستین قرن اول هجری^۱ شبه جزیره‌ی زیبای اسپانیا^۲ به دست مسلمانان فتح و دروازه‌ی اروپا به روی اسلام گشوده شد. مسلمانان در طول ۸ قرن، تمدنی بس شگرف در اسپانیا به وجود آوردند که هنوز دست زمان باگذشت سالیان

۱. فتوح البلدان، ص ۲۳۲.

۲. مسلمانان سرزمین اسپانیا را «اندلس» می‌نامند، خوانندگان می‌توانند برای آگاهی از چگونگی فتح اسپانیا به کتاب «اندلس سرزمین خاطره‌ها» مراجعه کنند.

نتوانسته است آثار آن را به کلی محو کند و هنوز تاریخ نویسان با شگفتی فرازهای گوناگون این تمدن را بررسی و تحسین می‌کنند...

با بسط اسلام در اسپانی، سران مسیحی دریافتند که در برابر امتیازات همه‌جانبه‌ی اسلام، مسیحیت در خطر زوال و نابودی است و دریافتند که ملل دیگر کشورهای اروپایی نیز که در چنگال توحش و خرافات مسیحیت اسیر بودند، با دیدار نور زندگی ساز آفتاب اسلام در اسپانیا، ممکن است به تدریج دست از مسیحیت بشویند و سعادت و رفاه خویش را در پرتو اسلام بجویند.

پس مسیحیت و سران روحانی آن که منافع و بقاء خویش را در خطر می‌دیدند به کمین نشستند و

دوره ششم، شماره چهارم / ۷

باکینه‌یی بی‌تسکین به طرح نقشه‌های شوم و فریبنده
برای نابودی مسلمانان اندلس پرداختند.

آنان در ابتدا با زمامداران بی‌خبر اندلس پیمانی
بستند که به‌موجب آن امتیازاتی از قبیل:

۱ - آزادی مذهب

۲ - آزادی تعلیم و تربیت

۳ - توسعه‌ی روابط بازرگانی

به مسیحیان داده شد، دشمن از این پیمان
حداکثر استفاده را برد و با رخنه در اجتماع اسلامی
اندلس با جوانان مسلمان ارتباط مستقیم برقرار
ساخت و با استفاده از ماده‌ی دوّم قرارداد (آزادی
تعلیم و تربیت) به آموزش جوانان مسلمان پرداخت
و برای ایشان تفریحگاه‌هایی ترتیب داد که در آن

دختران مسیحی با شور و شراب از ایشان پذیرایی می‌کردند...

با تعلیم آیین مسیحیت، پایه‌های عقیده و ایمان جوان مسلمان سست شد و باهم آغوشی دختران مسیحی، نیروهای اخلاق اسلامی در توده‌ی جوان فروریخت!

جوانی که تا چند صباح نورخان تر به اصول و به پاکی و تقوی و به حقیقت آیین خویش پابند بود و در دفاع از ایمان و سرزمین اسلامی، جان خود را ارجی نمی‌نهاد، اکنون در غرقاب شهوت‌پرستی و لذت‌جویی چنان فرورفته بود که دیگر ایمانی جز

دوره ششم، شماره چهارم / ۹

رؤیای زیبارویان مسیحی در دل و شوری جز خمار
شراب در سرنداشت.

و بدین سان بود که فاجعه آغاز شد و دشمن که
با لبخند دوستی پیش آمده بود ناگهان تیغ دشمنی
برکشید و از سستی و ضعف مسلمانان استفاده کرد و
با همراهی عوامل دیگر، به قتل عام مسلمانان پرداخت
و به اسلام در اسپانیا پایان داد...

این برنامه‌ی شوم تنها در اندلس پیاده نشده
است، هم اکنون نیز مؤثرترین وسیله ایست که
استعمارگران کهنه و نو برای کوبیدن جوامع اسلامی
از آن بهره‌ها می‌گیرند و مسیر ناهموار هدف‌های
پنهانی خود را با آن هموار می‌سازند.

استعمار در هر زمان و هر مکان، ابتدا کوشش می‌کند جلوی هرگونه فعالیت اصیل و سازنده‌ی فکری را بگیرد و برای این منظور انسان‌ها را به جای فکر کردن به مسائل جدی و به جای اندیشیدن به مسؤولیت‌ها، به سرگرمی و تفریح‌های مبتذل و غیر سازنده و بی‌بندوباری و شهوت‌پرستی وامی‌دارد و چون جامعه‌ی بی‌این راه افتاد دیگر استعمارگران را خیال آسوده است.

استعمار برای باقی ماندن خویش در هر ملّتی، جوانان را بیشتر از سایر طبقات هدف قرار می‌دهد، زیرا جوان هم خام‌تر است و هم به‌غفلت و بی‌بندوباری و لذّت‌جویی مایل‌تر؛ و هم جوانان‌اند که جامعه‌ی فردا را می‌سازند. پس بهترین جای پا

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۱

برای هر مهاجم استعمارگر، فکر و روح جوانان خواهد بود.

اگر استعمار در جامعه‌ی بتواند دیواری از انواع سرگرمی‌های تباه‌کننده در پیش روی جوانان بنا کند که جوان در ظلمت آن از آفتاب تکامل معنوی خویش محروم بماند دیگر راه برای دشمن هموار و استعمارگر بر مرکب مراد سوار است.

انسان تک‌بعدی

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که:

آیا می‌توان از رشد و تکامل اندیشه جلوگیری

کرد؟

آیا می‌توان انسان (تک‌بعدی) ساخت که جز به

غریزه به چیز دیگری نیندیشد؟

در پاسخ این سؤال ابتدا به این کلام از امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) توجه کنید که می‌فرماید:

«خرد و شهوت ضدّ یکدیگرند، دانش نیرو دهنده‌ی خرد و هوس‌ها زینت‌بخش شهوت‌اند، انسان در کشاکش این هر دو گرفتار است، هرکدام پیروز شوند به همان سو کشیده می‌شود.»^۱

بنابراین فریب جوانان برای دست‌های پنهان استعمار بسیار آسان است، چراکه غریزه‌ی جنسی در ابتدای جوانی بارور شده و به طور طبیعی به تکامل خویش می‌رسد. ولی تا رسیدن به تکامل عقل سال‌ها وقت و تجربه لازم است؛ و در این سنین اگر تمام توجه جوان به غریزه‌ی جنسی باشد و از خارج نیز

۱. مستدرک، جلد ۲، ص ۲۸۷، باب ۹.

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۳

وسایل تحریک او فراهم گردد، شکست خرد در او حتمی و گریزناپذیر است؛ و در این حال جوان چون مزرعه‌ی آماده ایست که دانه‌های رنگین فساد را به راحتی می‌پذیرد و در خویش می‌پرورد و بارور می‌سازد و دریغا دریغ که خرد آن زمان از راه می‌رسد که دیگر از مزرعه‌ی جان جوان جز کویر بی‌حاصلی بر جای نیست و بدین ترتیب جوانی که از آغاز بلوغ تنها پاسخ خواسته‌های غریزی جنسی را می‌دهد، در قلمرو جان وی تنها این غریزه حکم فرماست و از رشد و تکامل فکر و اندیشه بازمی‌ماند و وسایل فنا و نابودی خود را فراهم می‌سازد و چنین است که انسانی (تک‌بعدی) بار می‌آید...

و باز این کلام را از علی (علیه السلام) بشنوید که می فرمود: «پیروزی شهوت، بزرگ ترین نابودی و هلاکت است».^۱

آری، انسانی که در منجلاب لذت جویی و بی بند و باری غوطه می خورد و خوشبختی را در رضای نامحدود غرایز می جوید، کجا می تواند به ندای وجدان و فرمان خرد که بار تعهد و مسؤولیت را بردوش او می گذارد پاسخ دهد؟

انسانی که در محیط عفن لذت جویی، تنها به شهوت رانی و پر کردن شکم می اندیشد ممکن نیست که مشکلات فردی و اجتماعی دیگران برایش مفهومی داشته باشد.

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۵

جوانی که هر شامگاهان با رؤیای هم آغوشی
تصویرهای رنگی به خواب می‌رود و بامدادان نیز با
همان خیال سر از خواب برمی‌دارد، هرگز نمی‌تواند
دردهای زمان خویش را بشناسد و به درمان آن‌ها
بکوشد!

جوانی که با خواندن نوشتارهای هوس انگیز و
اندیشه کش مغز و چشم خویش را پر می‌کند، کجا
فرصت و حوصله‌ی آن دارد که نوشته‌های سازنده و
رشد دهنده را بخواند؟!

آن‌که شب‌ها را در میان میگساران و در آغوش
روسپیان به‌روز می‌رساند و در راه تأمین
لذت جویی‌های پلید خویش گاه انسان‌هایی را نیز

لگدمال می‌کند... کجا می‌تواند با انسان کشی مبارزه کند و انسانیت را زنده سازد؟

آری، آنان که همه‌ی وجود خویش را به خدمت شهوت گرفته‌اند و برده‌وار، لذت‌جویی و آزادی بی‌قید و شرط جنسی را پذیرفته‌اند، در حقیقت خدمتگزاران بی‌مزد و پاداش استعمارگران اند که جان خود و جامعه‌ی خویش را به نابودی و هلاکت می‌کشانند. به همان‌گونه که در اندلس، جوانان بی‌بندوبار مسلمان، با گردن نهادن به نقشه‌ی دشمنان و با غوطه خوردن در شراب و شهوت، دشمن را یاری کردند و خود و اسلام را تباه و نابود ساختند و خاطره‌ی جانکاه آن فاجعه را برای همیشه در دل‌های مسلمانان جهان باقی گذاشتند... و این پایان غم‌انگیز،

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۷

سرنوشت حتمی همه‌ی جوامعی است که در شهوت و فساد فرورفته و از اندیشه و خرد به دور بمانند.

پس دریافتیم که دست استعمار با رواج بازار شهوت و عیاشی راه رشد فکری انسان‌ها را می‌بندد و جامعه‌ی می‌پرورد با افرادی (تک بعدی)، افرادی که تنها به خواسته‌های غریزی و به ارضای غرایز می‌اندیشند و به همین منظور استعمار پشتیبان مسلّم مرام‌هایی است که آزادی بی‌قید و بندجنسی را تجویز می‌کنند.

رهبران صهیونیست جهانی می‌گویند:

«ما باید کاری کنیم که اخلاق در همه‌جا ویران

شود تا راه سیطره‌ی ما در آنجا بازگردد.

فروید از ماست و به زودی روابط جنسی زن و مرد چنان آشکار و برملا انجام می‌شود که در نظر جوان دیگر هیچ چیز مقدّسی مفهوم نداشته باشد.^۱

این، بررسی کوتاهی بود از یک بیماری که جامعه‌ی ما نیز پیش از انقلاب مقدس اسلامی سخت گرفتار آن بود و هنوز برخی از عواقب و آثار آن دیده می‌شود و مکتب‌های انحرافی و دشمنان خارجی و مزدوران داخلی آنان می‌کوشند که همان انحرافات را از نو زنده کنند و گسترش دهند و بر امت مسلمان ما لازم است که هشیار باشند و با تمام قوا با چنین کج‌روی‌ها و انحرافات مبارزه کنند.

دوره ششم، شماره چهارم / ۱۹

اینک ببینیم بر این بیماری خطرناک درمانی
تواند بود؟

بدیهی است که خدا ما را برای نابودی و نیستی
نیافریده و به ما نیرویی عطا فرموده که با آن هم خوبی
را می‌شناسیم و هم زشتی و پلشتی را درمی‌یابیم؛ و
مسئلاً هر انسان آزاد است که راه راستین را در پیش
گیرد و با رستن از پلیدی‌ها رستگار شود و یا به
بیراهه‌ی کژی و انحراف روی آورد و خویشتن را در
چاه گمراهی و هلاکت سرنگون سازد.

قرآن عزیز گویای همین حقیقت است آنجا که
می‌فرماید:

«سوگند به جان و به آن که جان را مرتب و کامل ساخت، پس بدی‌ها و پرهیزگاریش را به او الهام کرد...»^۱.

و آنجا که می‌فرماید: «... و دو راه خوبی و بدی را به او (انسان) نشان دادیم»^۲.

و از سوی دیگر، خداوند پیامبران پاک را نیز به راهنمایی انسان‌ها برانگیخت تا خرد مردمان را یاری دهند و با تعالیم خدایی خویش بشر را به راه سعادت رهنمون شوند؛ و این دیگر وظیفه‌ی خود ما است که فرمان خرد و ندای وجدان و راهنمایی پیشوایان

۱. سوره‌ی والشمس، آیه‌ی ۸ - ۷.

۲. سوره‌ی بلد، آیه‌ی ۱۰.

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۱

راستین را به جان پذیرا شویم و زمینه را برای شکوفا
ساختن انسانیت در خویش آماده‌سازیم.

خدا می‌فرماید:

«همانا رستگار شد آن‌که جان خویش را (از

پلیدی‌ها) پاک ساخت».^۱

اما آگاهیم که در هنگامه‌ی فشار غریزه‌ها و
به‌ویژه غریزه‌ی جنسی، پایداری آسان نیست مگر
برای آنان که در جان خویش از ایمان سدّی
ساخته‌اند و برگرد خویشان از وجدان راستین مذهبی
حصاری برآورده‌اند.

گرامی پیشوای پنجم، امام باقر (علیه‌السلام)

می‌فرماید:

۱. سوره‌ی والشمس، آیه‌ی ۹.

«مؤمن (آن‌که واقعاً به خدا ایمان دارد) از کوه هم پایدارتر است؛ زیرا کوه نقصان می‌یابد اما مؤمن نقصان ناپذیر است»^۱.

آری تنها مؤمنان واقعی هستند که در برابر طوفان و سوسه و هوس چون کوه پایدار می‌مانند؛ و اصولاً برای کنترل غرایز و تعدیل آن‌تها خرد و دانش و وجدان اخلاقی کافی نیست بلکه باید از وجدان مذهبی که در سرشت آدمی ریشه‌ای اصیل دارد بهره‌مند شد؛ و می‌توان گفت در هنگامه‌ی درگیری شهوت و هوس با عقل، تنها وسیله‌ی نجات همان ایمان است و هر چه ایمان نیرومندتر باشد

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۳

ایستادگی انسان هم در برابر طغیان غرایز بیشتر خواهد بود.

چه خوب است جوان که به اقتضای سن بیشتر از دیگران در معرض حملات غریزه است بیش از هر چیز دیگر وجدان مذهبی خویش را تقویت کند و در جان خود از ایمان راستین، سدّی استوار در برابر موج های توفنده‌ی غرایز بسازد؛ و در این راه یقیناً خدای بزرگ نیز او را یاری خواهد کرد زیرا:

«اوست که آرامش را به دل‌های مؤمنان فرو

می‌فرستد تا ایمانی برای مانشان افزون سازند...»^۱.



ما در این نوشتار و نوشته‌های دیگر، بر آنیم که از هرگونه شعار و ذهنیت به دور بمانیم و برای اثبات آن که یک جوان می‌تواند در راه هدف و ایمان از لذت‌های گذران درگذرد، گوشه‌ای از تاریخ پرافتخار اسلام را بازگو می‌کنیم:

«حنظله» شب را انتظار می‌برد، شب عروسی را، شبی را که قرار بود پای به حجله بگذارد، اما اوضاع عمومی مدینه به‌هیچ‌وجه با شادی او همراه نبود.

مردان مبارز مسلمان همان روز آماده‌ی حرکت به سوی «احد» بودند؛ به فرمان پیامبر عزیز (صلی‌الله علیه واله) بسیج عمومی اعلام شده بود، هر مرد که توان برداشتن اسلحه و جنگ داشت به قانون اسلام می‌بایست آماده‌ی نبرد شود. شهر پرجنب و جوش بود

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۵

و بسیجی پرخروش در کار بود، زنان و کودکان نگران بودند و خبرهایی که می‌رسید همه از انبوهی دشمن حکایت می‌کرد و هر چه بود سپاهیان اسلام در برابر دشمن اندک بودند و شتابی پراضطراب مردان را به آراستن اسلحه و زاد و توش جنگ وامی‌داشت...

همه فرمان پیامبر (صلی الله علیه واله) را برای خروج از شهر و مقابله‌ی با دشمن ستیزه‌جو شنیده بودند و در هر خانه اگر صحبتی بود تنها صحبت از نبرد فردا بود و نتایج نبرد و امیدها و نگرانی‌ها...

«حفظه» پیش از آنکه صبحت از جنگ باشد مقدمه‌ی عروسی را فراهم ساخته بود و خاندان عروس و داماد آماده‌ی برگزاری این عروسی بودند،

از سویی به عروسی و نشاط آن می‌اندیشید و از سوی دیگر فرمان ایمان بود که او را به جای لباس عروسی به پوشیدن اسلحه‌ی جنگ فرامی‌خواند... پس به خدمت پیامبر شتافت و باجانی آکنده از انوار ایمان به عرض رسانید:

یا رسول‌الله! امشب شب عروسی من است، اگر اجازه دهید یک امشب را در مدینه بمانم تا عروسی برگزار گردد و صبحگاهان مرا در صفوف دیگر برادران مسلمان درنبرد خواهید دید...

پیامبر اجازه داد که حنظله شب را در مدینه بماند. حنظله به خانه آمد؛ اگرچه شهر در تب جنگ می‌سوخت اما در خانه‌ی حنظله موقتاً شادی عروسی حکم فرما بود... شب به پایان آمد و با برآمدن سپیده

دوره ششم، شماره چهارم / ۲۷

حنظله آماده‌ی رفتن به میدان شد؛ عروس چهارتن را گواه گرفت که اگر فرزندی بیاورد از حنظله است و حنظله گواهی آنان را تصدیق کرد و با شتاب به سوی (احد) به راه افتاد.

سپاهیان گرم نبرد بودند که (داماد) از راه رسید و بر دشمن یورش برد و پس از نبردی مردانه شربت شهادت نوشید... درود خدا بر او باد.^۱

این تصویری است از چهره‌ی جوانی که دلش از ایمان لب ریز بود و در راه ایمان و اسلام به آسانی از زندگی نوین خود چشم پوشید و در عنفوان جوانی و در هنگامه‌ی عیش و کامرانی، مرگ در راه ایمان را، بر زندگی و لذت زودگذر ترجیح داد.

۱. مستفاد از بحار، چاپ جدید، ج ۲۰، ص ۵۷ و ۵۸.

به امید آن که همه‌ی جوانان مسلمان ما خود را
این‌گونه بسازند تا بتوانند در راه هدف و ایمان و
سامان دادن به جهان اسلام، از لذت‌ها و
بی‌بندوباری‌های ویرانگر چشم‌پوشند.

پایان